

## رویکرد مقایسه‌ای ارتباط رشد و توزیع درآمد از دیدگاه اسلام

تقی ابراهیمی سالاری<sup>۱</sup>

### چکیده

با شروع صنعتی شدن به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، پدیده فقر همواره به نحوی از انحاء افکار جوامع بشری، به ویژه کشورهای در حال توسعه را بیشتر به خود مشغول کرده است. این جوامع با توجه به سطح قرارگیری در مدار توسعه، به حل این معضل پرداخته و با اتخاذ راهبردهایی چون رشد اقتصادی، رشد توأم با توزیع و ... درصدد بهبود شرایط زندگی مردم کشورشان برآمدند. نظریات مختلفی در این دوران در ارتباط با چگونگی همسویی رشد اقتصادی و توزیع درآمد در جهت بهره‌مندی تمام اقشار اجتماع از مواهب رشد مطرح گردید که هر یک ضمن ستایش نقش عدالت توزیعی در جامعه به بررسی تقدم و تأخر آنها پرداخته و سعی در تبیین الگویی برای نشان دادن رابطه‌ی این دو با یکدیگر داشتند. در این نوشتار ضمن بیان این نظریات به تبیین دیدگاه اسلام در این رابطه پرداخته شده است. بر این اساس با توجه به اینکه اسلام عدالت توزیعی را در جامعه به عنوان هدف و عاملی در جهت سعادت انسان می‌داند و رشد اقتصادی را تنها به عنوان ابزاری در جهت نیل به آن پذیرفته است، لذا کلیه نظریاتی را که رشد را بر توزیع مقدم می‌دانند رد کرده و با معرفی راهکارهای گوناگونی در توزیع درآمد جاری و توزیع منابع اولیه تولید، درمی‌یابیم که تعارضی بین رشد و توزیع وجود ندارد اگر چه عمدتاً توزیع عادلانه درآمد در مقایسه با رشد از اولویت بیشتری برخوردار است.

**کلید واژه:** توزیع درآمد، رشد اقتصادی، فرضیه کوزنتس، اقتصاد اسلامی، توزیع منابع اولیه، زکات، انفال

### مقدمه

<sup>۱</sup> - عضو هیئت علمی دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد، دارای تحصیلات حوزوی خارج فقه و اصول.

با شروع صنعتی شدن به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، پدیده فقر همواره به نحوی از انحاء افکار جوامع بشری، به ویژه کشورهای در حال توسعه را بیشتر به خود مشغول کرده است. این جوامع با توجه به سطح قرارگیری در مدار توسعه، به حل این معضل پرداخته و با اتخاذ راهبردهایی چون رشد اقتصادی، رشد توأم با توزیع و ... درصدد بهبود شرایط زندگی مردم کشورشان برآمدند. اما در بسیاری موارد خصوصاً در کشورهای جهان سوم به دلایل مختلف، گروه کثیری از مردم از اثرات توزیعی راهبردهای، رشد برخوردار نشدند و این امر منجر به بروز شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و گسترش پدیده فقر گردید. در دهه ۱۹۸۰ وضعیت فقرا همچنان بدتر شد، به گونه ای که بانک جهانی، این دهه را دهه‌ی فراموش شدن فقرا نامید. دهه ۱۹۹۰ چاره ای نبود جز تغییر راهبردهای توسعه، از راهبردهای رشد به راهبردهای فقرزدایی، لذا این دهه، دهه جنگ با فقر نامیده شد.<sup>۱</sup> نظریات مختلفی در این دوران در ارتباط با چگونگی همسویی رشد اقتصادی و توزیع درآمد در جهت بهره‌مندی تمام اقشار اجتماع از مواهب رشد مطرح گردید که هر یک ضمن ستایش نقش عدالت توزیعی در جامعه به بررسی تقدم و تأخر آنها پرداخته و سعی در تبیین الگویی برای نشان دادن رابطه این دو با یکدیگر داشتند.

در این نوشتار بعد از بیان برخی مفاهیم و ضرورت بحث ابتدا به مرور مبانی نظری مرتبط با موضوع پرداخته و در ادامه مطالعات صورت گرفته در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم سناریوهای مختلفی که در ارتباط با مباحث رشد و توزیع درآمد مطرح است بیان شده و در سومین بخش، ضمن بیان دیدگاه اسلام در ارتباط با رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد، سناریوی مورد تأیید اسلام بیان می‌گردد. در بخش پایانی نیز راهکارهایی که اسلام در جهت توزیع عادلانه تر درآمد در جامعه ارائه نموده و تأثیر آنها بر رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## مفاهیم

**رشد اقتصادی:** رشد اقتصادی<sup>۲</sup> به بیان ساده عبارتست از افزایش تولید ناخالص در سال خاص

<sup>۱</sup>- Johansen, F. (1993). "Poverty Reduction in East Asia", World Bank Dissuasion Paper.

<sup>۲</sup>- Economic Growth

در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان افزایش تولید ناخالص ملی در سال مورد نظر در مقایسه با مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

**توزیع درآمد:** معمولاً برابری درآمدهای میان خانوارها برحسب توزیع درآمد متناسب با اندازه درآمد هر خانوار اندازه‌گیری می‌شود. این توزیع در میان طبقات درآمدهای، عموماً توزیع درآمد برحسب اندازه نامیده می‌شود. هر چه سهم درآمدهای طبقات با درآمد بالاتر کمتر باشد و سهم طبقات با درآمد پایین بیشتر باشد، توزیع درآمد متعادل‌تر در نظر گرفته می‌شود. اما تعریف دیگری که در رابطه با توزیع وجود دارد، توزیع درآمد را برحسب سهم‌های درآمدی عوامل تولید بیان می‌کند. از آنجا که سهم عوامل تولید برحسب سهم آنها در ارزش افزوده اندازه‌گیری می‌شود، این مفهوم از توزیع را توزیع کارکردی درآمد می‌نامند. ریکاردو در این ارتباط درآمد ملی را در سه گروه طبقه‌بندی نمود که عبارت بودند از دستمزد به عنوان بازده نیروی کار، سود به عنوان برگشت سرمایه و رانت (اجاره بها) به عنوان بازده زمین. تحلیل وی با توجه به توزیع درآمد از طریق توزیع کارکردی سه عامل تولید (کارگران، سرمایه داران و صاحبان زمین) می‌باشد. در این نوشتار منظور از توزیع درآمد مفهوم ابتدایی آن یعنی توزیع اندازه درآمد می‌باشد.

**شاخص‌های نابرابری:** در توزیع اندازه درآمد، معیارهای محتمل بسیاری برای اندازه‌گیری یا نابرابری وجود دارد. ساده‌ترین معیار آن محاسبه درصدی از درآمد کل اکتسابی خانوارهای بیست درصد بالای درآمدی یا درصد درآمد کل اکتسابی طبقه خانوارهای بیست درصد پائین درآمدی است. معیار دیگر می‌تواند نسبت سهم درآمدی گروه بالایی به گروه پایینی باشد که معادل نسبت درآمدی متوسط بالاترین گروه به درآمد متوسط پایین‌ترین گروه است. اما کلیه این معیارها دارای نقایصی نیز می‌باشند. در این میان چندین معیار برای غلبه بر این نقایص معرفی شده‌اند که پرکاربردترین آن‌ها ضریب جینی<sup>۱</sup> می‌باشد.

### ضرورت بحث

رابطه میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد، مورد توجه نهادهای سیاستگذاری قرار دارد؛ زیرا سیاستگذار اقتصادی نمی‌تواند از برنامه ریزی برای دستیابی به اهداف مشخص برای این دو مؤلفه غافل بماند. برای سیاستگذار همواره این دغدغه وجود دارد که آیا برای تسریع در رشد اقتصادی

<sup>۱</sup>- Income Distribution

<sup>۲</sup>- Gini Coefficient

باید سطحی از نابرابری درآمد را پذیرفت و آیا برای بهبود در توزیع درآمد، باید به کند شدن رشد اقتصادی تن داد؟ بنابراین تبیین نظری ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد می‌تواند پاسخگوی یکی از پرسش‌های اساسی و بنیادین برنامه‌ریزان اقتصادی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه باشد؛ زیرا کشورهای مذکور همواره از سطح پایین درآمد سرانه و نیز گستردگی شکاف‌های درآمدی در رنج بوده‌اند. شاید بتوان گفت ریشه کن کردن فقر و تعدیل نابرابری درآمد وقتی همراه با رشد اقتصادی در نظر گرفته شود، به بزرگترین هدف و دشوارترین وظیفه سیاستگذاران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه تبدیل می‌شود

### ادبیات موضوع

در ادبیات رابطه رشد و توزیع درآمد سه دوره قابل تمایز است: دوره نخست شامل دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ می‌شود که در این دوره اقتصاددانان رشد و صنعتی شدن را راه حل اصلی کاهش فقر دانسته اما به پیامدهای توزیعی آن توجه زیادی نداشتند. در دوره دوم که از اواسط دهه ۱۹۵۰ آغاز و تا اواسط دهه ۱۹۷۰ ادامه می‌یابد، بر تضاد میان رشد و توزیع درآمد و لزوم دخالت دولت جهت مدیریت فرآیند رشد تاکید می‌شود. دوره سوم و پایانی نیز از اواسط دهه ۷۰ آغاز شده و تاکنون نیز ادامه دارد. در این دوره امکان وجود مبادله<sup>۱</sup> توزیع درآمد و رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است.

### مبانی نظری ارتباط بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد

اقتصاددانان کلاسیک از قدیم اعتقاد داشتند که رشد اقتصادی به همراه بهبود توزیع درآمد مقدور نیست. آنان معتقد بودند که یکی از شرایط لازم برای ایجاد رشد سریع اقتصادی، تشدید نابرابری در توزیع درآمدها است. زیرا با توجه به اینکه تقریباً تمام درآمد گروه‌های کم درآمد صرف هزینه‌های مصرفی می‌گردد، رشد اقتصادی وابسته به پس‌انداز گروه‌های پردرآمد جامعه است که اساس سرمایه‌گذاری را فراهم می‌کند. بر این اساس هر نظام اقتصادی که بر پایه نابرابری بیشتر درآمد پایه‌گذاری شده باشد، در مراحل اولیه توسعه دارای رشد اقتصادی بالاتری نسبت به

<sup>۱</sup> - Trade off

نظام طراحی شده براساس عادلانه‌تر درآمد می‌باشد.

اولین نظریه مطرح شده در این زمینه قانون پرتو (۱۸۹۷)<sup>۱</sup> می‌باشد. پرتو در قانون مشهورش بیان می‌کند که در همه زمان‌ها و در همه مکان‌ها توزیع درآمد ثابت می‌ماند. او معتقد است که تغییرات ساختاری و مالیات‌های تساوی‌گرایانه نمی‌تواند این ثابت اساسی را در علوم اجتماعی تغییر دهد. پرتو تصور می‌کرد که یک ثابت اقتصادی را یافته است که قابل مقایسه با شتاب جاذبه زمین در علم فیزیک است، بدین معنی که در یک اقتصاد در زمان‌های مختلف توزیع درآمد ثابت می‌باشد. اما این نظریه بعدها با انتقادات جدی مواجه گردید. مهمترین نظریه در زمینه توزیع درآمد توسط کوزنتس (۱۹۵۵)<sup>۲</sup> در مقاله‌ای تحت عنوان «رشد اقتصادی و توزیع درآمد» انجام گرفت.<sup>۳</sup> در این مقاله کوزنتس توزیع درآمد را در یک برش مقطعی از کشورهایی با سطوح مختلف توسعه یافتگی بررسی نمود. او با مقایسه ۵ کشور هند، سریلانکا، پورتوریکو، انگلستان و ایالات متحده نتیجه گرفت که نابرابری درآمد طی اولین مراحل رشد رو به افزایش می‌گذارد و سپس هم‌تراز می‌شود و بالاخره طی مراحل بعدی کاهش می‌یابد.<sup>۴</sup>

در سال ۱۹۶۰ این فرضیه که نابرابری در کشورهای کمتر توسعه یافته بارزتر است، مجدداً از سوی ایروینگ کراویس<sup>۵</sup> مطرح گردید و همبستگی مثبت ولو پیچیده‌ای را بین درجه نابرابری و سطح درآمد واقعی سرانه مشاهده کرد. مانند کوزنتس او هم به این نتیجه رسید که در کشورهای توسعه نیافته نسبت به کشورهای صنعتی پراکندگی درآمد در بخش زیرین جدول توزیع کمتر و در بخش فوقانی آن بیشتر می‌باشد. بنابراین علت نابرابری بیشتری که در کشورهای توسعه نیافته<sup>۶</sup> مشاهده می‌گردد، می‌بایست در همین بخش فوقانی جدول توزیع جستجو شود. طبق نظر کراویس اختلاف بین المللی در درجات نابرابری را می‌توان به اختلاف در توزیع خصوصیات ویژه مردم که بر عملکرد آنها در عرصه اقتصادی مؤثر است؛ به موانع عرفی و قانونی تحرک اجتماعی، به

<sup>۱</sup>- Pareto

<sup>۲</sup>- Kuznets

<sup>۳</sup>- "Economics Growth and Income Equality".

<sup>۴</sup>- ابراهیمی، تقی (۱۳۷۴). "امکان سنجی استراتژی توسعه از طریق توزیع درآمد و ثروت در اسلام"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

<sup>۵</sup>- Irving Kravis

<sup>۶</sup>- در اینجا منظور کراویس از کشورهای توسعه نیافته، کشورهایی است که در مراحل ابتدایی رشد اقتصادی قرار دارند.

عوامل ساختاری که منشأ کارهایی با درآمد نابرابر و شدیداً تبعیض آمیز می‌باشد و به سازمان‌بندی سیاسی اجتماعی نسبت داد.<sup>۱</sup>

## مطالعات انجام شده

### مطالعات خارجی

مطالعات تجربی زیادی در بررسی صحت نظریه کوزنتس صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعه‌ای که توسط هاروی اوشیما (۱۹۶۲)<sup>۲</sup> انجام پذیرفته است اشاره نمود. او کشورها را به ۴ دسته توسعه نیافته، کم توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و کاملاً توسعه یافته تقسیم کرد و نتیجه گرفت که نابرابری در کشورهای توسعه یافته کم و پراکنندگی درآمد آنها متناسب با افزایش درآمد سرانه افزایش می‌یابد. وی اضافه نمود که نابرابری درآمد تا سومین طبقه افزایش می‌یابد و در آنجا به حداکثر می‌رسد ولی در طول طبقه چهارم کاهش می‌یابد.

مطالعه‌ی دیگر در این ارتباط توسط فلیکس پاکرت (۱۹۷۳)<sup>۳</sup> انجام شده است. در این مطالعه شاخصهایی از قبیل سهم ۵ درصد بالای درآمدی، ضریب جینی، سهم هریک از گروههای ۲۰ درصد درآمدی و ماکزیمم درصد معادل سازی<sup>۴</sup> مورد استفاده قرار گرفت که نتیجه آن در تایید نظریه کوزنتس بود.<sup>۵</sup>

همانطور که مشهود است کلیه مطالعات فوق نظریه توزیع درآمد کوزنتس را مورد تأیید قرار می‌دهند. اما در سال ۱۹۷۴ بانک جهانی این تئوری را بر اساس داده‌های ۶۶ کشور که برحسب درجه نابرابری درآمد و درآمد سرانه طبقه‌بندی شده بودند، مورد آزمون قرارداد. بررسی به عمل آمده توسط مونتهک اهلوالیا<sup>۶</sup> این نظر را تأیید می‌کند که نابرابری نسبی در اغلب کشورهای

<sup>۱</sup>- Champernowne, D. G (1974) A Comparison of Measures of Inequality of Income Distribution. The Economic Journal. Vol. 84.

<sup>۲</sup>- Harry Oshima

<sup>۳</sup>- Paukert. F.

<sup>۴</sup>- ماکزیمم درصد معادل سازی یعنی چند درصد از درآمد کل بایستی بین گروههای درآمدی منتقل شود تا توزیع یکسان درآمد حاصل شود.

<sup>۵</sup>- نیلی، مسعود و فرح بخش، علی (۱۳۷۷). "ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد"، مجله برنامه و بودجه، بهمن و اسفند ۷۷، شماره ۳۵ و ۳۴.

<sup>۶</sup>- Ahluwalia

توسعه نیافته به طور قابل ملاحظه‌ای بزرگتر از کشورهای توسعه یافته است. اما اهل‌ولیا نظر ابراز شده توسط کوزنتس در ۱۹۶۳ مبنی بر اینکه این پراکندگی عمومی بیشتر عمدتاً ناشی از نابرابری بیشتر در میان گروه پردرآمد و گروه متوسط درآمدی است را مورد تردید قرار می‌دهد. همچنین از بررسی نمونه بزرگتری از کشورها چنین برمی‌آید که در بسیاری از ممالک توسعه نیافته نابرابری زیاد، ناشی از سهم کوچکی از درآمد است که به هر دو گروه میان درآمد و گروه پایین‌ترین درآمد تعلق می‌گیرد.<sup>۱</sup>

نکته قابل توجه در تمامی این مطالعات استفاده از داده‌های مقطعی جهت بررسی صحت نظریه می‌باشد. از آنجا که استفاده از داده‌های مقطعی در مطالعات تجربی نشان دهنده ارتباط بین متغیرهای مورد مطالعه بوده اما فاقد قدرت پیش بینی معتبر می‌باشد لذا بکارگیری روش‌های اقتصادسنجی مبتنی بر سری‌های زمانی ضروری به نظر می‌رسد.

مطالعه راتی رامی (۱۹۸۸)<sup>۲</sup> نشان داد که چنانچه فرضیه کوزنتس را در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به صورت مقطعی آزمون کنیم این فرضیه تأیید می‌شود اما در صورتی که نمونه مورد مطالعه تنها به کشورهای در حال توسعه محدود گردد نتایج به صورت قابل توجهی متفاوت خواهد بود و این امر ناشی از ساختار متفاوت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است. همچنین وی بیان نمود که کاربرد نتایج حاصل از داده‌های مقطعی در کشورهای مختلف برای اطلاعات سری زمانی در یک کشور خاص اکثر مواقع صادق نخواهد بود.

طبق تحقیق دانیلسون (۲۰۰۱)<sup>۳</sup> اگر رشد اقتصادی وجود داشته باشد، درآمدها افزایش می‌یابند و در نتیجه فقر درآمدی کم می‌شود و توزیع درآمد بهبود می‌یابد، از این طریق ابعاد غیردرآمدی فقر نیز کاهش می‌یابد.

در مطالعه دیگری که توسط پانیزا (۲۰۰۲)<sup>۴</sup> با موضوع بررسی نابرابری و رشد اقتصادی بر

<sup>۱</sup> - Barrera -Flores, Jose G (1982) Economic Aspects of Regional welfare. Leaden: Martinus Nijhoff, Social Sciences Division

<sup>۲</sup> - Rami.R.(1988) "Economic Development and Income Inequality: Furher Evidnce on the U-Curve Hypothesis. Vol. 16 No.11.PP. 1371-76

<sup>۳</sup> - Danielson A. (2001), "When Do the Poor Benefit From Growth, and Why?", Department of Economics, Lund University, Sweden.

<sup>۴</sup> - Panizza, Ugo, (2002). "Income inequality and economic growth: evidence from American data", Journal of Economic Growth, 7, P.25-41.

اساس آمارهای ایالات متحده آمریکا انجام شده است، رابطه بین نابرابری و رشد اقتصادی در ۴۸ ایالت آمریکا برای دوره زمانی ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۰ مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس نتایج این تحقیق هیچ گونه رابطه ای مثبتی بین نابرابری و رشد اقتصادی وجود ندارد، همچنین رابطه‌ای مبنی بر وجود ارتباط بین دو متغیر ضریب جینی و سهم درآمدی قشرهای کم درآمد با رشد اقتصادی مشاهده نشده است.

کاکوانی، خاندکر و سان (۲۰۰۳)<sup>۱</sup> با بررسی داده‌های ۸۰ کشور در طی ۴ دهه، به این نتیجه رسیدند که از رشد اقتصادی به همان اندازه که کل اقتصاد بهره مند می‌شود، فقرا نیز منتفع می‌گردند. از این رو برای کاهش فقر و توزیع عادلانه‌تر درآمدها، رشد اقتصادی لازم است ولی برای حداکثر کردن مقدار کاهش در فقر و دستیابی به عادلانه‌ترین توزیع درآمد ممکن تنها نمی‌توان به سیاست حداکثرسازی رشد اقتصادی اکتفا کرد.

وریمی و ارهارت (۲۰۰۴)<sup>۲</sup> تحقیقی در مورد رابطه بین نابرابری و رشد اقتصادی در کشورهای اتحادیه اروپا و حوزه دریای مدیترانه انجام داده‌اند. در این مطالعه از داده‌های مقطعی استفاده شده است. وریمی و ارهارت نتیجه گرفتند که رشد سریع اقتصادی باعث افزایش نابرابری درآمدی می‌گردد و نیز اختلاف درآمدی بیشتر باعث تسریع روند رشد اقتصادی می‌شود.

باندیریا و گارسیا (۲۰۰۴)<sup>۳</sup> در دانشگاه سائوپائولو تحقیقی با عنوان "اصلاحات اقتصادی، نابرابری و رشد اقتصادی در آمریکای لاتین و کشورهای حوزه دریای کارائیب" طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۵ انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق که منحنی کوزنتس را نیز برای کشورها مورد ارزیابی قرار داده است، گویای آن است که هیچ گونه رابطه علت و معلولی مستقیمی بین رشد اقتصادی و نابرابری وجود ندارد. تنها عاملی که می‌تواند توجه‌کننده خوبی برای رابطه رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی باشد، چگونگی انجام اصلاحات اقتصادی است. اگر رویکرد سیاست‌های اصلاحات اقتصادی به سمت صنعتی کردن اقتصاد باشد به افزایش اختلاف درآمدی

<sup>1</sup>- Kakwani Nanak, Shahidur Khandker and Hyun H. Son (2003), "With Application to Korea and Thailand".

<sup>2</sup>- Weriemmi M.E. and Ch. Ehrhart, (2004), "Inequality and growth in a context of commercial openness, Theoretical analysis and empirical study: The case of the countries around the Mediterranean basin", University of nice-Sophia antipolice.

<sup>3</sup>- Garcia F. and A.C. Banderia, (2004), "Economic reforms, inequality and growth in Latin America and the Caribbean", University of So Paulo, school of economics and business.



منجر خواهد شد زیرا بهره‌وری صنایع سرمایه‌بر بیشتر از بهره‌وری صنایع کاربر می‌باشد.

### مطالعات موردی ایران

دوسل و ولدخانی (۱۹۹۸)<sup>۱</sup> در مطالعه‌ای موردی به بررسی فرضیه کوزنتس در ایران بر اساس داده‌های سری زمانی سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۹۳ پرداختند. در این مقاله ارتباط بین ضریب جینی بعنوان شاخص توزیع درآمد و درآمد سرانه به عنوان شاخص رشد اقتصادی از طریق یک مدل غیرخطی برازش شده است. نتایج مشاهده شده دلالت بر رد فرضیه کوزنتس دارد.

صمدی (۱۳۷۸)<sup>۲</sup> در رساله دکتری خود با عنوان «کاهش فقر، کارایی و برابری در ایران» با تخمین مدل‌های رگرسیونی مختلف به بررسی تأثیر متقابل فقر، کارایی و برابری بر همدیگر و نیز تأثیر پاره‌ای از متغیرهای کلان بر چگونگی توزیع درآمد و سطح فقر در طی سال‌های ۷۵-۱۳۴۷ پرداخته و نتیجه گرفته است که رشد اقتصادی و بهبود توزیع درآمد با جهت‌گیری علی دو طرفه، حرکتی هم‌جهت دارند، فرضیه توزیع درآمد در ایران تأیید نمی‌شود، زیرا اصولاً شرایط لازم برای آزمون این فرضیه، در دوره مورد مطالعه محقق نشده است. به عبارتی نتایج حاصل گویای آن است که هیچ تناقضی بین سیاست‌های افزایش رشد اقتصادی و سیاست‌های بهبود توزیع درآمد وجود ندارد.

در مطالعه دیگری که توسط جهانگرد و محبوب (۱۳۷۹)<sup>۳</sup> با استفاده از مدل شبه داده-ستانده جهت بررسی تأثیر توزیع مجدد درآمد به نفع گروه‌های درآمدی پایین بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران انجام شده است، نتایج حاصل بیانگر آن است که توزیع مجدد درآمد به نفع گروه‌های روستایی اثر مثبت بر بخش‌های تولیدی اقتصاد از جمله بخش‌های کشاورزی، معدن و صنعت و اثر منفی بر تولید بخش خدمات خواهد داشت به علاوه اینکه تضادی میان توزیع عادلانه تر درآمدها و رشد اقتصادی وجود ندارد.

<sup>۱</sup>- Doessel, D.P. & Valladkhani, Abbas (1998). "Economic Development and Institutional Factors Affecting Income Distribution: The Case of Iran, 1967-1993", International Journal of Social Economics, Vol.25.

<sup>۲</sup>- صمدی، سعید (۱۳۷۸). "کاهش فقر، کارایی و برابری در ایران". پایان نامه دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

<sup>۳</sup>- جهانگرد، اسفندیار و محبوب، حمید (۱۳۷۹). "بررسی تأثیر توزیع مجدد درآمد بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی.

محمدحسین مهدوی عادل‌ی و علی رنجبرکی (۱۳۸۴)<sup>۱</sup> در مقاله‌ای به بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۰ پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فرضیه کوزنتس در این دوره در ایران صادق نیست و یک رابطه همگرایی بلندمدت مثبت، میان رشد اقتصادی و شاخص توزیع نابرابر درآمد (ضریب جینی) وجود دارد؛ همچنین آزمون علیت گرنجری بین دو متغیر نشان دهنده وجود تأثیری متقابل و دوطرفه بین آنهاست.

### سناریوهای مختلف در مورد رابطه رشد و توزیع درآمد

در تجزیه و تحلیل اثر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد سه سناریوی مختلف شکل گرفته است:<sup>۲</sup>  
 (۱) **رشد سوریز:**<sup>۳</sup> این سناریو تفکر حاکم بر توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بود. در این سناریو جریان عمودی حاصل از رشد اقتصادی به تدریج از اغنیا به فقرا سرازیر می‌گردد. به این مفهوم که منافع حاصل از رشد ابتدا به ثروتمندان و اغنیا می‌رسد و آنگاه در مرحله بعد وقتی که آنها این منافع را خرج می‌کنند، فقرا از آن منتفع می‌گردند. بدین ترتیب فقرا به طور غیرمستقیم و آن هم از طریق جریان عمودی از کانال اغنیا، از رشد اقتصادی بهره‌مند می‌شوند. طبق این سناریو فقرا همواره از رشد اقتصادی منافع کمتری بدست می‌آورند. با این وجود، رشد می‌تواند فقر را کاهش دهد، اما ممکن است نرخ کاهش فقر بسیار کم باشد. چون منافع حاصل از رشد اقتصادی که به طور عمودی و از طریق اغنیا صورت می‌پذیرد، منجر به افزایش در نابرابری می‌گردد.

(۲) **رشد فقرزا:**<sup>۴</sup> در این سناریو رشد اقتصادی زیاد، منجر به افزایش در فقر می‌شود. این وضعیت زمانی رخ می‌دهد که نابرابری آن قدر افزایش یابد که اثر کاهندگی فقر را نیز خنثی کند. به عنوان مثال رشد ناشی از توزیع نابرابر در استفاده از تکنولوژی‌های تازه، می‌تواند موجب

<sup>۱</sup> - مهدوی عادل‌ی، محمدحسین و رنجبرکی، علی (۱۳۸۴). «بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱۸.

<sup>۲</sup> - ابونوری، اسمعیل، عباسی قادری، رضا (۱۳۸۶) «برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال نهم، شماره ۳۰.

<sup>۳</sup> - Trickle-Down Growth

<sup>۴</sup> - Immiserizing Growth

افزایش فقر گردد. در سناریوی رشد آسیب رسان (فقرزا)، نابرابری ناشی از رشد اقتصادی زیاد اثر کاهندگی فقر را خنثی می‌کند.

۳) **رشد فقرزدا:**<sup>۱</sup> نوعی از رشد است که به فقرا امکان می‌دهد تا فعالانه در فعالیت‌های اقتصادی سهیم شوند و به طور متناسب بیش از افراد غیرفقیر از افزایش کل درآمد منتفع گردند. طبق این تعریف زمانی رشد، فقرزدا است که نیروی کار را جذب کند و با سیاست‌ها و برنامه‌هایی که نابرابری را تخفیف می‌دهد، همراه شود. چنین رشدی به سرعت می‌تواند وقوع فقر را کاهش دهد. به عبارت دیگر فقر را همراه با کاهش در نابرابری کاهش می‌دهد.

### رشد و توزیع درآمد از دیدگاه اسلام

اسلام بر عدالت خواهی و رفع فقر به عنوان هدف مهم دینی تأکید می‌کند. در تعالیم دینی، هدف ارسال انبیاء قیام به قسط معرفی شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «همانا پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم، و به آنها کتاب و میزان دادیم تا مردمان بر اساس عدالت زندگی کنند.»<sup>۲</sup>

بنابراین، یکی از اهداف تشریح دین تحقق عدالت در جامعه است. عدالت و رفع فقر هدفی است که حکومت‌های دینی باید دنبال کنند. اما باید بررسی نمود آیا اسلام افزایش رفاه گروهی را به قیمت کاهش سطح زندگی عده‌ای دیگر مجاز می‌داند.

از دیدگاه اقتصاد اسلامی توزیع مناسب و عادلانه درآمد یکی از مصادیق عدالت اجتماعی است. به همین منظور ایجاد عدالت توزیعی در جامعه به عنوان یکی از راهکارهای مهم رسیدن به عدالت اجتماعی در این دیدگاه مدنظر قرار گرفته است.

امام علی (ع) می‌فرماید: آن مقطع زمانی که بینوایان با فقر دست و پنجه نرم کنند، در آتش فقدان امکانات بسوزند، و در عین حال زراندوزان خوشگذرانی کنند و سرمایه‌ها را به شیوه‌های نادرست به کار بندند، رشد و توسعه شکل نمی‌گیرد و همچنان نابسامانی‌ها روز افزون می‌شود<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - Pro-Poor Growth

<sup>۲</sup> - سوره حدید، آیه ۲۵.

<sup>۳</sup> - فیض الاسلام، نهج البلاغه / ۴۰۰

امام صادق (ع) می‌فرمایند، امام علی به عمر فرمودند: سه چیز است که اگر به آن عمل شود دیگر امور سامان می‌یابد و اگر ترک شود، فعالیت و اقدامات اصلاحی در امور دیگر سود بخش و موثر واقع نمی‌شود، یکی از این سه چیز، تقسیم عادلانه امکانات و اموال بین همه انسانهاست، «والقسم بالعدل بین الاحمر والاسود»<sup>۱</sup>.

همان گونه که از احادیث فوق بر می‌آید از دیدگاه اسلام توزیع عادلانه درآمد یکی از عوامل مهم و اساسی در رشد و توسعه اقتصادی جوامع به شمار می‌آید و در صورت عدم وجود آن دست یافتن به رشد دشوار می‌باشد. لذا می‌توان دریافت که از این منظر عدالت توزیعی بر رشد اقتصادی مقدم بوده و به نوعی علت آن به شمار می‌آید.

همین طور بسیاری از متفکران اسلامی معتقدند که اساساً در تفکر دینی رشد اقتصاد فقط از منظر عدالت‌خواهی دینی معنادار است. در این میان می‌توان به نظریات ذیل اشاره کرد:

ابوالاعلی مودودی معتقد است که همراهی عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی، ویژگی بارز و خط‌مشی اصلی توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام است. محمد عمر چپرا، شوقی احمد دنیا و ابراهیم العسل نیز معتقدند که توسعه اقتصادی مورد تأیید دین در جوهر و ذات خویش، عدالت اقتصادی را داراست. از این نظر، اگر تولیدات جامعه افزایش یابد، اما سطح معیشتی شایسته‌ای برای احاد افراد جامعه تحقق نیابد، از نظر دینی نمی‌توان نتیجه را پیشرفت و توسعه نامید.<sup>۲</sup>

محمد شوقی فنجری از چهره‌های برجسته اقتصاد اسلامی تصریح می‌کند که اسلام هرگز ثروت و غنای عده‌ای را با وجود فقر و محرومیت گروهی دیگر امضاء نمی‌کند. به اعتقاد وی، تا زمانی که جامعه به سطح حد کفایت در زندگی دسترسی پیدا کند، تفاوت‌های درآمدی مجاز نخواهد بود.<sup>۳</sup>

اکرم خان نیز اعتقاد دارد در اقتصاد اسلامی تأکیدات اصلی نه بر رشد، بلکه بر عدالت توزیعی است. عریف می‌نویسد: در چشم انداز توسعه اقتصادی از نظر اسلام، توسعه انسانی که زندگی

<sup>۱</sup> - حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۴). «الحیاه»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، جلد ۶، ص ۳۴۶.

<sup>۲</sup> - احمد، خورشید. «مطالعاتی در اقتصاد اسلامی»، ترجمه محمدجواد مهدوی (۱۳۷۴)، چاپرا، محمد عمر، "دولت رفاه اسلامی و نقش آن در اقتصاد" انتشارات آستان قدس رضوی.

<sup>۳</sup> - یوسفی، محمدرضا (۱۳۷۸). «بررسی فقهی مبادله رشد اقتصادی و عدالت»، مجموعه مقالات اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

شایسته برای همگان در بر می‌گیرد، در کنار رشد اقتصادی دیده شده است. فریدی می‌گوید: توسعه باید توزیع مجدد منابع را در بر داشته باشد. راهبرد مورد انتظار تکیه بر مصرف، توزیع و توسعه است.<sup>۱</sup> شهید آیت‌ا.. سید محمد باقر صدر معتقد است که اسلام به رفع فقر توجه ویژه کرده است. از دیدگاه شهید صدر گرچه یکی از اهداف اقتصادی، رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه جامعه است، اما رشد اقتصادی هدف نهایی و اصیل محسوب شده است. رشد اقتصادی ابزار و طریقی برای رفاه عمومی آحاد افراد جامعه است. و لذا در چارچوب تفکر توزیعی دین معنادار است.<sup>۲</sup>

شهید صدر بیان می‌دارد که گرچه رشد اقتصادی هدفی از اهداف جامعه متقین است، اما آنچه اهمیت بیشتری دارد، تأثیر رشد اقتصادی بر زندگی مردم است، رشد اقتصادی به مقدار و میزانی هدف اقتصادی است که بتواند در زندگی مردم تجلی پیدا کند. اگر جامعه، امکانات خویش را در خدمت اقتصادی قرار دهد و جنبه توزیعی آن غافل شود، رشد اقتصادی به صورت یک بت مورد تقدیس قرار می‌گیرد و تولید هدف نهایی می‌گیرد، در حالی که دین رشد اقتصادی را صرفاً ابزاری برای تحقق بخشیدن در به اهداف عالی می‌داند.<sup>۳</sup>

در نتیجه، در متون اقتصاد اسلامی، کسانی که بحث در باره پدیده‌های رشد و توزیع را طرح کرده‌اند، خط بطلانی بر رشد منهای کاهش فقر کشیده‌اند و رشد را در چارچوب عدالت توزیع تعیین می‌کنند.

اما در این میان ابراهیم دسوقی اباضه (۱۹۷۲) در مقاله‌ای بر خلاف جریان عمومی یاد شده به تبیین این اندیشه پرداخت که، گرچه اسلام به عدالت توجه ویژه دارد، اما وضعیت امروزی مسلمانان در جهان اقتضاء می‌کند که به تلاش هرچه بیشتر برای افزایش تولید اولویت داده شود و هنگامی می‌توان به توزیع و رفع فقر اندیشید که ثمره این تلاش‌ها به بار نشست باشد. در واقع از نظر اباضه نگاه دین به عدالت آینده‌نگر و همچون هدفی است که در فرآیند توسعه باید به آن نگاه

<sup>۱</sup> - یوسفی، محمدرضا (۱۳۷۸). «بررسی فقهی مبادله رشد اقتصادی و عدالت»، مجموعه مقالات اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی،

پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

<sup>۲</sup> - صدر، محمدباقر (۱۳۷۵). اقتصادنا، چاپ اول، دفتر تبلیغات اسلامی

<sup>۳</sup> - همان

کرد.<sup>۱</sup>

رشد و عدالت توزیع را باید در کنار هم دید، ترکیبی خردمندانه از رشد و توزیع در هر مرحله از فرآیند توسعه تعیین کننده است. میسر در این باره می‌نویسد: زمان مباحثه بی‌ثمر راجع به اینکه از میان تولید ناخالص داخلی و نیازهای اساسی کدام باید در اولویت قرار گیرد، به سرآمده است. شیوه صحیح این است که هر دو مورد توجه قرار گیرد. نیازی نیست که بر هر دو به یک اندازه تأکید شود به دلایلی چند داشتن یک نگاه همه‌جانبه در برنامه‌ریزی توسعه ضروری است.<sup>۲</sup>

به طور کلی با توجه به پایبندی اسلام به برادری انسان‌ها و عدالت اجتماعی و اقتصادی، نابرابری‌های فاحش درآمد و ثروت کاملاً با روح اسلام مغایر است. چنین نابرابری‌هایی تنها می‌تواند احساس برادری را که اسلام خواستار آن است از بین ببرد، به جای آنکه آن را رشد دهد. افزون بر این، تمامی منابع، اعطای خداوند به همه انسان‌هاست، بنابراین دلیلی ندارد که در دست‌هایی عده‌ی معدود به باقی بماند.<sup>۳</sup>

در مجموع می‌توان چنین بیان نمود در نگرش اسلامی، عدالت توزیعی به عنوان هدفی والا برای فعالیت‌های انسان معرفی شده و از آن به عنوان عاملی در جهت رشد و توسعه جوامع بشری نام برده شده است، به همین دلیل این دیدگاه فقط هدف قرار دادن رشد اقتصادی را به هر قیمت، محکوم کرده و آن را به بیراهه رفتن می‌داند. اسلام با توجه به ابزار دانستن رشد اقتصادی در مسیر دست یافتن به عدالت توزیعی دو سناریوی اول که در بالا از آن یاد شد، یعنی رشد سرریز و رشد فقرزا را رد کرده و بر سناریوی سوم که رشد فقرزدا است تأکید می‌کند. با توجه به این نوع نگرش، اسلام راهکارهایی را معرفی می‌کند که در آن ضمن هدف قرار دادن توزیع عادلانه درآمد، رشد اقتصادی نیز به عنوان معلول آن حاصل خواهد شد.

<sup>۱</sup> - یوسفی، محمدرضا (۱۳۷۸). «بررسی فقهی مبادله رشد اقتصادی و عدالت»، مجموعه مقالات اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

<sup>۲</sup> - یوسفی، محمدرضا (۱۳۷۸). «بررسی فقهی مبادله رشد اقتصادی و عدالت»، مجموعه مقالات اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

<sup>۳</sup> - احمد، خورشید. «مطالعاتی در اقتصاد اسلامی»، ترجمه محمدجواد مهدوی (۱۳۷۴)، چاپرا، محمد عمر، "دولت رفاه اسلامی و نقش آن در اقتصاد" انتشارات آستان قدس رضوی.

## راهکارهای تحقق رشد اقتصادی از طریق توزیع عادلانه درآمد از منظر اسلام

نظام اقتصادی اسلام با اتخاذ تدابیری اقتصاد را به سمت عادلانه شدن توزیع درآمدها سوق داده است تا از این طریق به رشد نایل آید، که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

### ۱) گسترش روابط حقوقی کار

اسلام در کنار رابطه حقوقی اجاره و گرفتن دستمزد ثابت، برای نیروی کار روش‌های دیگری چون مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات یا ترکیبی از مشارکت و اجاره را مطرح کرده است. در اقتصاد اسلامی یک یا چند کارگر می‌توانند در مقابل دستمزد ثابت و براساس عقد اجاره با کارفرما قرارداد ببندند، همین‌طور می‌توانند در مقابل سهمی از تولید یا درآمد واحد اقتصادی پیمان مشارکت ببندند و نیز می‌توانند ترکیبی از دستمزد ثابت با سهمی از سود را انتخاب کنند، در نتیجه کارفرما و کارگران در اقتصاد اسلامی می‌توانند نه بر اساس عرضه و تقاضای بازار کار بلکه بر اساس تقسیم درآمد و سود واقعی فعالیت اقتصادی به توافق برسند. روشن است که این روش در بلندمدت تأثیر شگرفی بر واقعی شدن سهم هر یک از عوامل تولید از درآمد خواهد داشت. این امر منجر به افزایش انگیزه کارگران شده و تلاش بیشتر برای تولید و رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.<sup>۱</sup>

### ۲) زهد

از دیدگاه اسلام، زهد عبارت است از عدم دل‌بستگی به چیزی که نسبت به آن جاذبه و میل طبیعی وجود داشته باشد و انسان در اثر عواملی، با اختیار نسبت به آن بی‌رغبتی نشان دهد و زیبایی و ارزش‌های آن را ناچیز بشمارد.

با توجه به این تعریف اگر زهد را به مفهوم انتقال مصرف از دهک‌های بالای درآمدی به دهک‌های پایین درآمدی بدانیم و شخص زاهد را به عنوان کسی که علی‌رغم دارا بودن درآمد بالا تنها به میزان نیاز از آن مصرف نموده و به جای مصارف تجملاتی به انتقال منابع مصرفی خود به گروه‌های کم درآمد پردازد بنگریم، در این صورت آثار اقتصادی زهد را می‌توان بدین

<sup>۱</sup> - موسویان، سید عباس. (۱۳۸۰)، «عدالت، محور آموزه‌های اقتصادی اسلام»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۴.

صورت تبیین نمود.

در متون اقتصادخرد با قاعده‌ای تحت عنوان مطلوبیت نهایی نزولی مواجه هستیم که در آن به این واقعیت اشاره دارد که با افزایش واحدهای مصرف از یک کالا مطلوبیتی که فرد از آن کالا دریافت می‌کند، کاهش می‌یابد. حال با توجه به این مفهوم و ارتباط آن با زهد بنا به تعریف فوق در می‌یابیم، در صورتی که افراد جامعه به جای مصرف بیش از حد کالا و خدمات اقدام به انتقال آن به افراد پایین دست خود کنند، مسلماً با توجه به پایین بودن کالاهایی که در اختیار آنان (دهک‌های کم درآمد) برای مصرف وجود دارد، مطلوبیتی که از مصرف این کالا و خدمات (که از ناحیه افراد زاهد به آنها منتقل می‌شود) دریافت می‌کنند بیشتر از اقشار پردرآمد جامعه است و به عبارت دیگر مطلوبیت نهایی این گروه‌های درآمدی به مراتب بالاتر خواهد بود، لذا این فرآیند در مجموع موجب افزایش سطح مطلوبیت و رفاه کل جامعه با فرض ثابت بودن میزان تولید کالا و خدمات می‌شود. بنابراین با توجه به کمبود منابع مصرفی در نزد گروه‌های کم‌درآمد جامعه اهمیت این منابع مصرفی در منظر آنان بسیار بیشتر است، که این امر سبب بهینه شدن مصرف در جامعه و کاهش اسراف گردیده، این خود نیز یکی از عوامل دستیابی به توسعه پایدار در جامعه می‌باشد. در اینجا ممکن است این سوال مطرح شود که اقشار پردرآمد می‌توانند برای جلوگیری از کاهش مطلوبیت نهایی خود اقدام به تنوع در مصرف کالا و خدمات نمایند. اما این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که با افزایش درآمد فرد، مطلوبیتی که از هر واحد درآمدی دریافت می‌کند کاهش خواهد یافت، فرضاً اگر به درآمد شخصی که ماهانه صد واحد دریافت می‌کند، ده واحد اضافه نماییم، افزایش مطلوبیت وی به مراتب کمتر از فردی خواهد بود که درآمد وی صفر است.

امام علی (ع) می‌فرمایند:

«بر خورداری از امکانات و اموال، زیاده از حد اعتدال داشتن، اسراف است.»<sup>۱</sup>

«اسراف از جمله عوامل نابودی است»<sup>۲</sup>

همچنین انتقال مصرف از قشرهای پردرآمد (که اکثراً کارفرما و صاحب سرمایه هستند) به

<sup>۱</sup> - آمدی، عبدالواحد، «غرر الحکم در الکلم»، مکتب الاعلام الاسلامی، ۳۰۷.

<sup>۲</sup> - حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۴). «الحیاه»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، جلد ۴، ص ۲۳۵.



اقتدار کم درآمد (که اکثرا کارگر می‌باشند) سبب افزایش قدرت خرید در این گروه‌های درآمدی جامعه شده که این امر در کشورهای جهان سوم سبب بهبود وضعیت تغذیه و در شرایطی باعث افزایش امکان آموزش بیشتر برای آنها می‌شود، لذا این عوامل همگی افزایش کارآیی نیروی کار و افزایش سطح تولید در اقتصاد را در پی خواهد داشت. این افزایش تولید با توجه به اینکه از جانب عرضه اقتصاد روی می‌دهد سبب کاهش قیمت‌ها و نیز کنترل تورم خواهد شد.

امام علی (ع) می‌فرماید:

« فقر یکی از عوامل کاهش بازدهی کاری است»<sup>۱</sup>.

«فقر بینش عقلی انسان را متحیر می‌سازد و از کار کردن درست باز می‌دارد»<sup>۲</sup>.

این موضوع را از جهت دیگر نیز می‌توان مطرح نمود. اگر فرد زاهد را شخصی بدانیم که به علت عدم دلبستگی روانی به مصرف، مازاد درآمد خود را پس‌انداز می‌کند، در این صورت نیز زهد رشد اقتصادی را به همراه خواهد داشت. این امر را این گونه می‌توان بیان نمود که با توجه به حرمت کثرت و ربا در جامعه اسلامی تنها راهی که فرد زاهد برای تخصیص درآمد خود دارد سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی در جامعه است، که این امر نیز در مراحل اول سبب افزایش تقاضای کل جامعه و در مراحل بعد سبب افزایش اشتغال و تولید در اقتصاد خواهد شد.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

« اموال زیادی را که خداوند به شما داده، برای این است که در آن جهت و راهی که خداوند خواسته به کار برید، و نداده است که گنج و انباشته کنید»<sup>۳</sup>.

همانطور که در مطالب فوق بیان شد زهد در اسلام نه تنها توزیع درآمد در جامعه را متعادل تر می‌کند، بلکه طی فرآیندهایی سبب تسریع رشد اقتصادی در جامعه از طریق افزایش تقاضا (افزایش سرمایه‌گذاری) و افزایش عرضه (افزایش بهره‌وری نیروی کار) خواهد شد. شایان ذکر است که زهد دارای ابعاد روانی و اجتماعی فراوانی نیز در جامعه است که تأثیرات زیادی را بر رشد و توسعه اقتصادی دارد، اما بررسی این ابعاد در این مجال از حوصله بحث خارج است.

<sup>۱</sup> - همان، جلد ۴، ص ۲۸۴.

<sup>۲</sup> - المجلسی، محمد باقر، «بحار الانوار الجامعة لدر اخبار الائمة الاطهار»، ۴۷-۴۸/۷۲.

<sup>۳</sup> - حکیمی، محمد (۱۳۷۰). معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی (ع)، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۳۵۵.

### ۳) زکات

زکات بخشی از ثروت ثروتمندان را به نیازمندان انتقال می‌دهد و به بدین ترتیب نابرابری در توزیع درآمد را کاهش داده، با گرایش به تمرکز ثروت مبارزه می‌کند.<sup>۱</sup>

ظفر اقبال (۱۹۸۹)، بر این باور است که کمک اساسی زکات به رشد از طریق جریمه کردن کنز و تشویق سرمایه‌گذاری توسط صاحبان ثروت می‌باشد. عواید زکات در جهت خود کفا کردن نیازمندان در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. قبل از آن، هدف این درآمدهای زکوی، فراهم آوردن نیازهای مصرفی اولیه برای آنهاست.<sup>۲</sup>

فریدی (۱۹۹۷)<sup>۳</sup> دارای این دیدگاه است که وضع زکات دارای دو اثر متقابل بر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری شخصی است. زکات سالانه بر پس‌انداز خالص بالاتر از حد نصاب، موجب تقویت میل به مصرف می‌شود. فرد پس‌انداز کننده ممکن است خرسندی بیشتری از مخارج بیشتر کسب کند تا اینکه بخواهد از زکات سالانه که پس‌انداز خالص وی را تهدید می‌کند پرهیز نماید. ولی وضع زکات ممکن است یک عکس‌العمل کاملاً متفاوت در وی بوجود آورد. فرد پس‌انداز کننده به منظور حفاظت از ثروت خود در مقابل نابودی تدریجی، ممکن است ثروت بی‌کار خود را به منابع مالی یا حقیقی تبدیل کند، و نیز تمایل وی به سرمایه‌گذاری تقویت می‌شود. هر دوی این تمایلات در تحلیل نهایی، منجر به افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات تولید شده در جامعه می‌شود و تقاضای افزایش یافته برای کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای، به تولید بیشتر کمک می‌کند.<sup>۴</sup>

صباح الدین زعیم (۱۹۸۹)<sup>۵</sup> معتقد است که ماهیت تأدیبی زکات نسبت به کنز دارای اثر سالم و مثبت بر روی تمایل مردم به کار سخت‌تر و تلاش برای حفاظت از پس‌انداز خالص آن‌ها

<sup>۱</sup>- ابراهیمی، تقی (۱۳۷۴). "امکان سنجی استراتژی توسعه از طریق توزیع درآمد و ثروت در اسلام"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. ص ۱۷۷

<sup>۲</sup>- کمیجانی، اکبر و عسگری، محمد مهدی (۱۳۸۳). «تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی»، مجله تحقیقات اقتصادی شماره ۶۴

<sup>۳</sup>- Faridi F.T.

<sup>۴</sup>- کمیجانی، اکبر و عسگری، محمد مهدی (۱۳۸۳). «تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی»، مجله تحقیقات اقتصادی شماره ۶۴.

<sup>۵</sup>- Sabahaddil Zaim

می‌شود. اگر ذخایر ناشی از دریافت زکات به سمت کانال‌های سرمایه‌گذاری جریان یابد، اثر منفی آن را روی پس‌انداز کاهش می‌دهد و بر تولید ناخالص ملی می‌افزاید. از طرف دیگر، هزینه کردن این ذخایر در سرمایه‌گذاری، اثر تراکمی روی کاهش فقر خواهد داشت. وی معتقد است نظام زکات، کنز را تقبیح و سرمایه‌گذاری را تشویق می‌کند و تقاضا برای سرمایه‌گذاری در نرخ مورد انتظار معینی از سود را در یک اقتصاد اسلامی، در مقایسه با سایر مکاتب اقتصادی، بالاتر خواهد برد. از آنجا که سرمایه‌گذاری یکی از عوامل تعیین‌کننده رشد است، لذا یک اقتصاد اسلامی با اجرای نظام زکوی دارای جهت‌گیری بیشتری به سمت رشد خواهد بود.<sup>۱</sup>

درآمد زکات، برای افزودن بهره‌وری فقرا می‌تواند خرج شود. سرمایه‌گذاری مولد ذخایر زکات، برای تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای متنوع در آموزش و پرورش، مراقبت‌های بهداشتی، آب سالم و دیگر فعالیت‌های مربوط به رفاه اجتماعی، منافع فقرا را تأمین می‌کند. در اثر بالا رفتن بهره‌وری فقرا، درآمد آن‌ها نیز متعاقباً بالا خواهد رفت.<sup>۲</sup>

### تأثیر زکات بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه<sup>۳</sup>

متأسفانه امروزه بیشتر کشورهای اسلامی در زمره کشورهای در حال توسعه قرار می‌گیرند. بنابراین در اینجا تأثیر و کاربرد زکات را به عنوان اقدام مالی در یک کشور اسلامی در حال توسعه بررسی و تحلیل می‌نماییم. البته فرض بر این است که ویژگی‌های خاص یک جامعه اسلامی در آن جاری است که برخی از آن‌ها عبارتند از: تحریم ربا، جلوگیری از معاملات سفته‌بازی و بورس‌بازی، احتکار، ذخیره کردن کالا و...<sup>۳</sup>

سیاست‌های مالی در اقتصادهای در حال توسعه به سمت افزایش پس‌اندازهای خصوصی و عمومی پیش می‌رود و هدف آن آزاد کردن منابع واقعی برای سرمایه‌گذاری مولد و تخصیص هزینه‌های عمومی در مسیری است که در خدمت هدف رشد رفاه اقتصادی قرار بگیرد. سوالی که

<sup>۱</sup>- همان

<sup>۲</sup>- همان

<sup>۳</sup>- ابراهیمی، تقی (۱۳۷۴). "امکان سنجی استراتژی توسعه از طریق توزیع درآمد و ثروت در اسلام"، ص ۱۹۲-۱۹۴، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی

مطرح می‌شود این است که جمع‌آوری و خرج زکات در چه جهاتی و تا چه حد در اجرای این هدف مفید فایده خواهد بود؟

### الف) پس انداز و سرمایه گذاری:

زکات می‌تواند دو اثر متقابل بر پس اندازهای خصوصی و سرمایه‌گذاری داشته باشد. گرفتن زکات سالانه از پس اندازهای خالصی (یا ثروت خالصی) که بیش از حد نصاب است. احتمالاً میل به مصرف را تقویت خواهد کرد. پس اندازکننده فردی ممکن است از خرج‌های گزاف رضایت بیشتری بدست آورد تا بدین وسیله از پرداخت زکات سالانه که پس انداز خالص او را کاهش می‌دهد، خودداری کند. بنابراین تابع مصرف به سمت بالا منتقل می‌شود (هر چند اصل حرمت اسراف تا حدودی جلوی برخی مصارف بالا را می‌گیرد). اما زکات ممکن است عکس‌العملی کاملاً متفاوت در او به وجود آورد، ممکن است او برای جلوگیری از کاهش تدریجی ثروتش، ثروت خود را به منابع فعال واقعی تبدیل کند، همچنین ممکن است تمایل او به سرمایه‌گذاری افزایش یابد.<sup>۱</sup>

این هر دو تمایلات، موجب افزایش تقاضای کل و خدمات تولیدی در اقتصاد می‌شود، ثروت‌های اندوخته به عامل فعالی برای تقاضا تبدیل می‌شوند و سرمایه‌گذاری در عکس‌العمل نسبت به قدرت زکات در کاهش منابع راکد در اندازه‌ای متناسب با آن افزایش خواهد یافت. افزایش تقاضای کالاهای مصرفی و سرمایه‌گذاری به افزایش تولید کمک خواهد کرد. از نظر گاهی دیگر، قدرت زکات در کاهش ثروت راکد و اخذ زکات فلزات کنز شده به عنوان کیفر این کار (در مفهوم اقتصادی) عرضه‌ی پس اندازها را بالنسبه افزایش خواهد داد.

### ب) کاهش نرخ بازده انتظاری پس انداز

این اثر زکات تا آنجا مفید خواهد بود که بازده انتظاری را کاهش دهد و در نتیجه سرمایه‌گذاری‌ها را در جهاتی کم‌سودتر، اما از نظر اجتماعی ضروری و سودمند هدایت کند، در نبود معاملات ربوی، کاهش سود انتظاری، سرمایه‌گذاری خصوصی را به زمینه‌هایی خواهد کشاند که

<sup>۱</sup> - Kahf, M. (1973). "A Contribution to the Study of the Economic of Islam", Utoh, USA Univ of Utoh, S.L.C.

در شرایط معمولی سرمایه‌گذاری در آن‌ها به عهده بخش عمومی قرار می‌گیرد. نرخ بازدهی این سرمایه‌ها نباید کمتر از نرخ زکات باشد، بلکه باید به نسبت زحمتی که در این سرمایه‌گذاری‌ها وجود دارد، بیش از نرخ زکات باشد و نیز اگر دوران انتظار برای بازدهی این سرمایه‌گذاری‌ها بیش از حد طولانی باشد نیز می‌تواند مانع به شمار رود. بنابراین اگر چه زکات احتمالاً نسبت پس‌انداز را کاهش می‌دهد اما باز هم سطح وسیعی را برای صرف مخارج دولت باقی می‌گذارد.

### ج) تمایل به کار:

از زاویه‌ای دیگر، ماهیت کیفری زکات تأثیری مثبت و سالم بر تمایل مردم به کار که به نظر لوئیس یکی از عوامل توسعه اقتصادی است خواهد داشت. در نبود بهره و عدم افزایش پس‌اندازها بدون هیچ تلاشی توسط آن، تمایل طبیعی افراد برای حفظ پس‌انداز خالص خود، آنان را به کار سخت‌تر یا دادن منابع خود به دیگران برای کار سخت‌تر تشویق خواهد کرد. بدین طریق تنبلی تقبیح و کار تشویق خواهد شد.

### ۴) انفال و فیه:

انفال اموال عمومی است که در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد و از آن‌ها به نفع عموم استفاده می‌شود.

حر عاملی در تعریف انفال آورده است: «انفال شامل ثروت‌هایی است که با جنگ به دست نیامده یا اموالی که در اثر مصالحه به دولت اسلامی منتقل شده یا قومی خودشان به مسلمانان بخشیده باشند و نیز زمین‌های موات و ته دره‌ها است. این ثروت‌ها در ملک رسول خدا(ص) و بعد از وی برای امام(ع) است و در مواردی که مصلحت بداند مصرف می‌کند»<sup>۱</sup>.

امام کاظم(ع) در ارتباط با اموالی که شامل انفال می‌شوند می‌فرمایند:

یک پنجم هر درآمدی به امام تعلق دارد، همچنین است انفال، که شامل کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها و بی‌شبه‌هاست. و هر سرزمینی که مردم آن به عللی منقرض شوند، هر منطقه‌ای که بدون درگیری نظامی و با صلح در اختیار سلحشوران اسلام قرار گیرد، هر زمین موات که کسی در آن

<sup>۱</sup> - حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت.

به احیا نپرداخته است، هر مالی که وارث نداشته باشد، جزء انفال است.<sup>۱</sup> با توجه به ماهیت اموالی که انفال آن‌ها را شامل می‌شوند، می‌توان دریافت که اکثر آن‌ها در زمره کالاهای مولد به شمار می‌روند، به طوری که استفاده از آن‌ها در فرآیند تولید عامل ایجاد درآمد برای افراد خواهد بود. لذا به طور کلی انفال را می‌توان منابع اولیه تولید دانست که در اختیار امام قرار می‌گیرند تا در میان مردم توزیع نماید تا آن‌ها توسط این منابع اقدام به تولید و ایجاد درآمد نمایند.

اسلام بر چگونگی توزیع این منابع در میان مردم تأکید فراوان نموده است و آن را عاملی در جهت توزیع عادلانه درآمد می‌داند. علت این امر نیز در نگرش اسلامی کاملاً مشهود است. زیرا از منظر اسلام عدالت توزیعی به مفهوم برابری افراد در برخورداری از منابع جامعه<sup>۲</sup> و بهره‌برداری از آن‌ها با توجه به توانایی‌ها و استعدادهایشان است و نابرابری که بعد از این در جامعه ایجاد می‌شود را حاصل همین تفاوت‌های فردی میان انسان‌ها می‌داند که از نظر اسلام کاملاً صحیح و لازمه ادامه حیات انسان‌هاست.

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

«تا تفاوت (منطقی و معقول و انگیزه‌آفرین) بین آدمیان وجود دارد، همواره در پیشرفتند و به سوی رشد و سعادت گام می‌نهند، آنگاه که از هر جهت یکسان شوند (استعداد و توان همه مردم برابر گردد) هلاک و نابود می‌گردند.»<sup>۳</sup>

چنانچه منابع اولیه به طور عادلانه میان افراد توزیع نگردد، جامعه به سوی طبقاتی شدن حرکت می‌کند، و فاصله‌های طبقاتی آن چنان شدید می‌شود که عده‌ای از سرمایه‌ها، امکانات و انواع آسایش‌ها برخوردار می‌شوند و گروه زیادی چنان ضعیف و محروم می‌گردند که از تأمین هزینه

<sup>۱</sup> - حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۳۶۵/۶

<sup>۲</sup> - در حدیث قدسی - به روایت از امام صادق آمده است: ده وظیفه‌ی مهم برای دستیابی به توسعه انسانی، تعالی و سعادت‌مندی لازم الاجرا است، یکی از آنها این است که انسانها در دین باوری مددکار هم شوند، و بهره‌مندی یکسان از دارایی‌ها و امکانات مادی را بپذیرند (سفینه البحار ۱۷۹/۲)

امام علی (ع): امکانات و اموالی که به همه تعلق دارد، به طور مساوی بین همه تقسیم کردم، چنانکه پیامبر (ص) اینگونه عمل کرد. (الحیاء ۱۷۲/۵)

پیامبر اکرم (ص): امام زمان (ع) آن‌گاه که بیاید، اموال و امکانات را به طور مساوی بین همه تقسیم می‌کند. (کشف القمّة ۲۶۴/۳).  
<sup>۳</sup> - میزان الحکمه ۳۵۳/۱۰

ضروری و اولیه عاجز می‌مانند و این، همان وضعیتی است که سخت از جانب اسلام و تعالیم دینی محکوم و مردود می‌باشد. در قرآن کریم آمده است که اموال و غنایم از آن خدا و پیامبر و خویشان، یتیمان، بینوایان و در راه ماندگان است تا سرمایه‌ها میان توانگران دست به دست نشود: «آنچه که خداوند از اموال کافران ديار به رسول خدا غنیمت داد، آن متعلق به خدا و رسول و خویشاوندان رسول است و یتیمان و فقیران و رهگذران (است)، این حکم برای آن است که مبادا (اموال عمومی در دست عده ای محدود از ثروتمندان و اغنیاء قرار گیرد) و در میان آنان دست به دست بگردد (و اکثریت افراد جامعه در فقر و تهیدستی واقع شوند) و شما آنچه رسول حق دستور دهد (و منع یا عطاء کند) بگیریید و هر چه نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است»<sup>۱</sup>.

امام صادق(ع):

«فقر، نیازمندی، گرسنگی، زندگی نابسامان و آشفته توده مردم به خاطر غارت امکانات و سرمایه‌ها توسط بزرگ مالکان و ثروتمندان است»<sup>۲</sup>.

بنابراین می‌توان دریافت که اولین گام در توزیع عادلانه درآمد، توزیع عادلانه منابع تولید در جامعه به‌شمار می‌رود، تا افراد با توجه به توانایی‌های خود از آن‌ها استفاده و ایجاد درآمد نمایند. لذا چگونگی توزیع این منابع در جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است و در واقع سنگ بنای توزیع عادلانه درآمد به‌شمار می‌آید. با توجه به اهمیت این مقوله در ادامه به بررسی نحوه توزیع منابع اولیه تولید در نظام‌های مختلف اقتصادی پرداخته و نگرش اسلامی را نسبت به آن ذکر می‌کنیم.

## دیدگاه‌های نظام‌های اقتصادی مختلف در ارتباط با توزیع منابع اولیه:<sup>۳</sup>

### نظام سرمایه داری لیبرال:

<sup>۱</sup> - سوره حشر، آیه ۷.

<sup>۲</sup> - حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت. ۴/۶

<sup>۳</sup> - فراهانی فرد، سعید و صادقی، حسین (۱۳۸۵). «ساختار مالکیت و تأثیر آن بر بهره برداری از منابع طبیعی (بررسی تطبیقی)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره ۴.

در نظام سرمایه‌داری لیبرال، مالکیت منابع در اختیار بخش خصوصی بوده و محدودیتی از سوی دولت برای بهره‌برداری از آن‌ها وجود ندارد. در این صورت، تنظیم مقدار استفاده از این منابع و قیمت آن توسط بازار تعیین می‌شود: از طرفی وجود رقابت در بین استفاده‌کنندگان، کارآیی تولید را بالا برده و محصول به قیمت کمتری در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌گیرد. البته این در صورتی است که فرد یا گروهی با برخورداری از سرمایه و فناوری بالای خود، زمینه انحصار و کنار زدن دیگران را ایجاد نکنند. از طرف دیگر به دست آوردن حداکثر سود، به استفاده بدون محابای منابع منجر شده و ضمن وارد آوردن زیان به سرمایه ملی که متعلق به همه نسل‌ها می‌باشد نسبت به محیط زیست آثار تخریبی را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر آن که توزیع عادلانه منابع که اولین قدم در توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها می‌باشد، مختل می‌شود.

### نظام سرمایه‌داری مقرراتی:

نظام سرمایه‌داری لیبرال، بعد از روبرو شدن با چالش‌های جدی در درون خود با حفظ مبانی اصلی در برخی از راهبردهای خود تجدید نظر کرد که نتیجه آن سرمایه‌داری ارشادی یا مقرراتی بود. در این نظام، اجازه دخالت دولت در کنترل بخش خصوصی داده شد و در برخی موارد، دولت مالکیت و بهره‌برداری از برخی منابع را عهده‌دار شد. نظریه‌پردازان این نظام، راه‌هایی را به منظور مقابله با تخریب محیط زیست و استفاده بیش از حد از منابع، مانند تصویب مالیات، یارانه و یا کنترل‌های مستقیم را پیشنهاد کردند.

### نظام سوسیالیسم:

در مقابل نظام سرمایه‌داری، سوسیالیست‌ها منابع طبیعی را در مالکیت دولت قرار داده و بخش خصوصی را فقط به عنوان مجری سیاست‌های دولت مرکزی دانسته‌اند. این سیستم گرچه از تکاثر ثروت در دست بخش خصوصی جلوگیری می‌کند و مدعی این است که همه طبقات و به ویژه طبقه کارگر را در رفاه قرار دهد، اما اول آن که به سبب نبود رقابت با مشکل کارآیی و بهره‌وری ضعیف مواجه بوده و دوم آن که، این نظام در عمل نتوانسته است رفاه عموم مردم را فراهم کند و ثروت را در انحصار دولت مرکزی قرار داده است. این نظام نیز در عمل تحولات فراوانی را به دنبال داشته و فاصله زیادی از مبانی نظری خود گرفته است.



### نظام اقتصادی اسلام:

در نظام اقتصادی اسلام، گرچه انواع مالکیت (خصوصی، دولتی و عمومی) پیش‌بینی شده است، اما منابع طبیعی یا در مالکیت دولت است و یا دولت به عنوان نماینده و حافظ منافع عامه مردم، سرپرستی آن را به عهده دارد. به همین دلیل بهره‌برداری از این منابع از انعطاف زیادی برخوردار می‌باشد. اگر در اجرا، دستورالعمل‌ها و رهنمودهای ارائه شده شریعت تحقق پیدا کند، ضمن برخورداری از کارآیی بالا از تمرکز ثروت در دست گروهی خاص و توزیع ناعادلانه جلوگیری شده و عامه مردم از منابع بهره‌برداری می‌کنند. در این نظام در بهره‌برداری از منابع طبیعی دو نهاد پیش‌بینی شده است:

### الف) نهاد احیاء:

بنابر برخی نظرها هر کسی که به احیاء منبع طبیعی اقدام کند، مالک آن می‌شود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«هرکس به مقدار حق خود زمین بایری را احیاء کند، از آن اوست»<sup>۱</sup>

در برخی از موارد ممکن است به نظر آید که این امر به تهی‌سازی منابع منجر شده و سبب انحصار منابع کمیاب در دست شخص یا گروهی خاص شود. در حالی که:

۱- بنا بر نظر تمام فقها احیاء باید با اجازه و موافقت دولت اسلامی انجام گیرد. بنابراین دولت می‌تواند بر شیوه و میزان بهره‌برداری از منابع نظارت کند.

۲- گروهی از فقها معتقدند که احیاءکننده فقط حق اختصاص نسبت به آن بخشی از منبعی را که احیاء کرده است، پیدا می‌کند و مالکیت منبع برای دولت باقی است. بنابراین، دولت می‌تواند اهدافی مانند کارآیی، عدالت و حفاظت از محیط زیست را در شرایط احیاء بگنجانند و با ابزارهای نظارتی خود نیز تعهد به این شرایط را کنترل کند.

همچنین در شرایط احیاء آمده است، فردی که به موجب احیاء زمین مالک آن شده است در صورتی که در مدت زمان مشخصی از آن استفاده نکند، مالکیت وی منتفی خواهد شد.

<sup>۱</sup> - النوری الطبرسی، میرزا حسین، «المستدرک الوسائل»، مکتب الاسلامیه طهران، ۱۴۹/۳.

امام کاظم (ع) در این رابطه می‌فرماید:

«هر کس بدون عذر موجه سه سال پی در پی زمینی را رها کند و بدون کشت و کار بگذارد، از وی گرفته می‌شود و در اختیار دیگری قرار داده می‌شود».

از مطالب فوق بر می‌آید که این نوع نگرش نه تنها سبب افزایش تولید در جامعه می‌شود بلکه مانع بیکار ماندن منابع تولیدی در اقتصاد شده که خود عامل مهمی در جلوگیری از رکود اقتصادی می‌باشد.

#### ب) نهاد حیازت:

یکی از مشکلات مهم در بحث منابع به ویژه منابع تجدید پذیر، شیوه بهره‌برداری دسترسی آزاد و بدون قید و شرط به تخلیه زود هنگام منابع تجدیدپذیر و تخریب جنگلها و مراتع منجر می‌شود، همه نظام‌ها در تلاش هستند، این مشکل را رفع کنند. در نظام اسلامی یکی از روش‌های استفاده بخش خصوصی از برخی منابع، حیازت است. حیازت در شیلات به وسیله صید، در حیوانات وحشی با شکار، در آب رودخانه‌ها به وسیله حفر کانال و در مراتع به چرانیدن می‌باشد. ممکن است تصور شود که چنین نهادی، پایداری توسعه را خدشه دار می‌کند؛ در حالی که حیازت نیز مانند احیاء باید با موافقت دولت همراه باشد و دولت می‌تواند از راه‌های مختلفی مانند صدور پروانه بهره‌برداری از منابع، آن را کنترل کند.

به طور کلی می‌توان بیان نمود در نگرش اسلامی مالکیت و یا کنترل تمام منابع اولیه تولید جامعه در اختیار دولت اسلامی قرار دارد و وی موظف به نظارت کافی بر آنها است، اما در عین حال در قالب نهادهایی چون احیاء و حیازت بهره‌برداری از آنها را برای بخش خصوصی میسر نموده است تا با حفظ روحیه تولید و بهره‌وری در این بخش (به منظور افزایش تولید و رفاه در جامعه) مانع تخریب و از بین رفتن این منابع به دلیل استفاده بیش از حد از آنها شود.

به منظور روشن شدن ابعاد بیشتر دیدگاه اسلام در ارتباط با توزیع عادلانه منابع اولیه تولید در ادامه اصولی را که در این زمینه در اسلام عنوان شده است را بیان نموده و با توجه این اصول تاثیر این نحوه توزیع را بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### اصول حاکم بر مالکیت و توزیع منابع مادی تولید از منظر اسلام<sup>۱</sup>

اصل ۱: تولید برای خدمت به انسان است نه انسان در خدمت تولید.

اصل ۲: تمامی منابع طبیعی ثروت داخل در بخش دولتی می‌باشند و افراد می‌توانند فقط از طریق کار مولد (که در احیاء منبع متبلور می‌شود)، حق خاص در انتفاع از آن منبع ثروت طبیعی به دست آورد و مقصود از کار، مقدار فعالیتی است که فرد به تنهایی قادر است به انجام برساند، که به آن کار مباشر گفته می‌شود.

اصل ۳: تمامی ثروت‌های منقوله در طبیعت (چوب‌های جنگلی، حیوانات در خشکی و دریا)، فقط از طریق فعالیت برای حیازت آن‌ها، قابل تملک می‌باشد و مقصود از فعالیت کار مباشر است و قابلیت تملک به سبب دیگری ندارند مگر از طرق ارث از حیازت کننده یا معاوضه با سایر نواقل شرعی مثل هبه یا وقف یا صدقه و ...

اصل ۴: توزیع ثروتی که از تولید اولیه به دست می‌آید، بر دو اساس است:

۱- کار مولد

۲- نیاز

کار، منشأ ایجاد حق برای بهره‌مندی از نعمت‌های الهی است؛ یعنی حق بهره‌مندی از مواهب الهی با تکلیف کار، گره خورده است و حق استیفا و انجام تکلیف با هم تلازم دارد. رابطه غایی انسان با مواهب الهی سبب حق بالقوه انسان با مواهب الهی است که با انجام تکلیف و وظیفه (کار) فعلیت یافته، می‌تواند بهره‌مند شود.<sup>۲</sup>

از دیدگاه اسلام، افزون بر کار، نیاز نیز عامل دیگری است که منشأ ایجاد حق برای نیازمندان می‌شود و حق استیفا از نعمت‌های الهی را برای آنان بالفعل می‌کند.

اسلام پیروان خود را تکلیف کرده است که در راه تأمین نیازهای هموعان و برادران خود تا

<sup>۱</sup>- ابراهیمی، تقی (۱۳۷۴). "امکان سنجی استراتژی توسعه از طریق توزیع درآمد و ثروت در اسلام"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه

علامه طباطبایی، ص ۱۶۸ و ۱۶۹

برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه شود:

- صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا (عربی)، ص ۳۴۶

- صدر، سید محمد باقر، الاسلام یقود الحیاه (عربی)، صص ۷۹-۱۰۶

<sup>۲</sup>- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). «مجموعه گفتار»، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، صص ۱۹۱-۱۹۳.

سرحد امکان کوشش کنند و از بی تفاوتی و سرباز زدن از این تکلیف بپرهیزند. زیرا یاری رسانی به ناتوان نشانگر رشد و بلوغ فکری و اخلاقی افراد است و بی تفاوتی نسبت به نیازمندان، نشانه انحطاط اخلاقی جامعه و خیانت به دین و آیین و برادران دینی است. همچنین در نگرش اسلامی با توجه خاص به مساله تامین اجتماعی سعی در تبیین هرچه بیشتر این موضوع داشته است<sup>۱</sup>

اصل ۵: بر اساس اصل ۴ که می‌گوید کار مولد اساس مالکیت در تولید اولیه است، بنابراین اختیار مالکیت ثروتی که در تولید ثانویه ماده طبیعی حاصل می‌شود، به دست کسی است که تولید اولی را انجام داده است. تولیدکننده اولیه می‌تواند خود رأساً عملیات تولید ثانوی را به عهده گیرد و لذا مالک تمامی کالای تولید شده می‌شود و یا اینکه اجازه دهد دیگری عملیات تولید ثانوی را انجام دهد. در این صورت یا به صورت قرارداد و جعاله با فرد مزبور شریک می‌شود و یا برای فرد مزبور دستمزد مشخص می‌کند، که اجرت فرد دوم و اجاره لوازم و ماشین آلاتی که فرد دوم به کار می‌برد توسط دولت مشخص می‌گردد.

اصل ۶: برای اجرای بند آخر اصل فوق دولت می‌بایست دستمزد عامل تولید ثانوی و اجرای ماشین آلات مورد استفاده در تولید ثانوی را با الغای عامل احتکار تعیین کند.

اصل ۷: چنانچه در شرایط استثنایی، توازن اجتماعی حاصل شده بر اساس اصل ۵ به خطر افتد، دولت موظف است که با اجرای سیاست‌های مناسب توازن اجتماعی را مجدد ایجاد و حفظ نماید. اصل ۸: اسلام، اجازه نمی‌دهد که دولت، بیشتر از قدرت فردی، منابع طبیعی را به صورت اقطاع به کسی برای بهره‌برداری واگذار کند. چه با این کار سرمایه‌ها و امکانات با کاهش بازده مواجه است.

اصل ۹: اسلام اجازه نمی‌دهد که احیاء کنندگان منابع طبیعی، آن را بدون استفاده گذارده و با تعطیل عملیات عمرانی، باز هم منابع را در اختیار داشته باشند، زیرا اگر غیر از این باشد، دستگاه تولید، دچار رخوت و سستی می‌گردد.

اصل ۱۰: اسلام درآمدهای بدون کار را تحریم کرده است، به عنوان مثال درآمد واسطه‌گری، زیرا واسطه‌ها، کوچکترین نقش مثبتی در تولید نداشته بلکه به دستگاه تولید تحمیل شده‌اند. لذا بدیهی است که با از بین رفتن واسطه‌ها، سطح تولید افزایش می‌یابد.

<sup>۱</sup> - حکیمی، محمد و ابراهیمی، تقی و دیگران، (۱۳۸۰). «پدیده شناسی فقر و توسعه»، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، ج ۴، ص ۳۶۱.

اصل ۱۱: اسلام درآمد مستقیم از سرمایه نقدی (بهره) را تحریم کرده است. لذا سرمایه‌ها به سمت فعالیت های صنعتی و خدماتی سوق می‌دهد. زیرا لغو بهره دو نتیجه به دنبال دارد: الف) اصطکاک منافع بین دو طبقه رباخوار و تولیدکننده را از بین می‌برد و صاحب نقدینه در این حال وادار می‌شود که بر اساس اشتراک در منافع، به فعالیت صنعتی و خدماتی بپردازد. ب) بر اثر رشد فعالیت‌های تولیدی و خدماتی، اشتغال در جامعه افزایش می‌یابد و در نتیجه سطح رفاه جامعه بالا می‌رود.

اسلام انسان را به کار و تولید تشویق نموده تا آن حد که کرامت بشری و مقام انسان را نزد خدا و حتی در پیشگاه عقل به آن مرتبط دانسته است. کار در ردیف عبادتها درآمد و انسان زحمت کش که برای کسب روزی تلاش می‌کند، نزد خدا از عابد بیکار، با فضیلت تر شناخته شده است.

### آثار توزیع منابع اولیه تولید بر رشد اقتصادی در نگرش اسلامی<sup>۱</sup>

#### ۱- اشتغال زایی و توزیع عادلانه درآمد:

با توجه به اینکه افراد در استفاده و بهره‌برداری از منابع طبیعی تا آنجا مجاز می‌باشند که قدرت فردی آنها اجازه می‌دهد (اصل ۸). بنابراین فرد نمی‌تواند به بخش وسیعی از منابع طبیعی چنگ اندازد و از طریق استخدام افراد و پرداخت دستمزد به آنها، منابع طبیعی را در انحصار خود درآورد، بلکه تمام افرادی که در استکشاف و تسلط بر منبع طبیعی مشارکت داشتند، به میزان کاری که انجام داده اند شریک می‌باشند از این طریق توزیع درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی به طور عادلانه بر اساس میزان فعالیت و استعداد افراد، صورت می‌گیرد لذا با توجه به اصل (۸) و اصل (۹) که می‌گوید افراد تا زمانی حق بهره‌برداری از منابع را دارند که فعالیت عمرانی آنها تعطیل نشود و چنانچه منابع طبیعی را معطل گذارند افراد دیگر حق بهره‌برداری از همان منبع را دارند، در این زمینه اشتغال گسترده برای افراد آماده به کار فراهم می‌شود و نظام تولیدی دچار سستی و رخوت نخواهد شد.

<sup>۱</sup> - ابراهیمی، تقی (۱۳۷۴). "امکان سنجی استراتژی توسعه از طریق توزیع درآمد و ثروت در اسلام"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. ص ۱۷۰-۱۷۴

## ۲- بهره برداری بهینه از منابع اولیه تولید:

در اینجا ما از مفهوم بهره‌برداری بهینه از منابع استفاده کردیم و نه چنانچه در ادبیات اقتصاد بازار مرسوم است که حداکثر بهره‌برداری هدف تولید است زیرا بر اساس اصل حرمت اسراف تولیدکننده حق ندارد با توجه به دست آوردن حداکثر سود، بهره‌برداری غیربهینه از منابع بنماید و دولت به منظور جهت‌دهی استفاده بهینه از دو مکانیزم استفاده می‌کند.

الف) از طریق مکانیزم‌های قانونی و اجرایی برای متخلفین آنها را از اسراف بازمی‌دارد.

ب) با توجه به اصل ۸ و اصل ۳ که می‌گوید فرد بهره‌بردار می‌بایست خود نظارت و دخالت مستقیم در امر تولید داشته باشد و با توجه به مکانیزم‌های ممانعت از اسراف، و با این فرض که تولیدکننده میل دارد که سود خود را (در چارچوب قانونی) حداکثر کند، وی سعی خواهد کرد بهترین شیوه را برای بهره‌برداری از منابع اتخاذ کند توضیح اینکه این شیوه از بهره‌برداری که مستقیماً صورت می‌گیرد. و تک تک افرادی که مشغول فعالیت هستند به نسبت کاری که از خود بروز می‌دهند از منافع حاصل از تولید سهم می‌باشند لذا تک تک افرادی نسبت به تولید احساس مسئولیت می‌کنند، بر خلاف نظام سرمایه‌داری و نظام سوسیالیستی که تضاد منافع بین کارگر و سرمایه‌داری خصوصی و یا سرمایه‌داری دولتی، موجب ضایعات تولید و استفاده غیر بهینه از منابع می‌شود. و همین دست ضایعات بوده است که امروز نظام سرمایه‌داری سعی می‌کند تا به نحوه مشارکت کارگران را در محصول تولیدی فراهم آورد.

## ۳- تشویق سرمایه‌گذاری در بخش تولید و به ویژه منابع اولیه و واسطه‌ای:

در نظام مبتنی بر بازار رابطه سودآوری تولیدکننده مواد اولیه و واسطه‌ای با اقدام به فروش آن مواد قطع می‌شود و هیچ‌گونه سودی در کالای تولید شده برای وی متصور نیست حال آن که عمده سود در تحول مواد و منفعت عمده را تجار و بازرگانان بر اساس قوانین حاکم بر بازار سرمایه‌داری و انواع انحصارات و غیره می‌برند. اسلام این شیوه از توزیع درآمد حاصل از تولید را تحت کنترل در می‌آورد.

اصل ۵ می‌گوید تولیدکننده مواد اولیه یا واسطه‌ای تصمیم‌گیرنده در تولید ثانویه کالا می‌باشد. می‌تواند خود سرمایه‌گذاری برای تولید کند و یا اینکه تولید ثانویه را به فرد دیگری واگذار کند و به او دستمزد پرداخت کند و یا آنکه بر اساس قراردادهایی مثل جعاله بخشی از سود تولید را برای

وی واگذار نماید. البته به ابزار تولید فقط اجازه پرداخت می‌شود و مشارکت ابزار تولید در فعالیت تولیدی نمی‌تواند مشارکت در درآمد کالای تولید شده را همراه بیاورد (که در اینجا اجرای اصل ۶ در تعیین دستمزد و اجازه ابزار تولید توسط دولت مکانیزم تولید عادلانه درآمد حاصل از تولید را تضمین می‌کند).

ملاحظه می‌شود که این اصل منافع تولیدکننده اولیه را تا مرحله نهایی تولید کالایی و فروش آن تضمین می‌کند. این ضمانت موجب می‌شود که نیروهای انسانی و سرمایه‌های جامعه (با توجه به اصل حرمت ربا) به تولید کالایی به طور عام و به خصوص به سمت تولید منابع اولیه و تولیدات واسطه‌ای هدایت شود، زیرا تولید اولیه است که خط‌مشی تولید ثانوی و فروش آن را تعیین می‌کند و منافع کالای تولید شده در مرحله نهایی از تولید در بخش منابع اولیه و واسطه‌ای سرچشمه می‌گیرد (برخلاف نظام بازار که رابطه تولید با مبادله و تجارت قطع می‌شود).

#### ۴- اثر تکاملی پروسه تولید:

همان گونه که در بالا متذکر شدیم تولیدکنندگان اولیه تصمیم‌گیرندگان در تولید نهایی می‌باشند بر اساس این فرض که تولیدکنندگان مایل به حفظ و افزایش منافع می‌باشند سعی می‌کنند در منابعی سرمایه‌گذاری کنند که امکانات تولید ثانوی آن منابع در جامعه وجود داشته باشد تا از طریق تبدیل مواد اولیه و واسطه به کالای نهایی سود خود را مضاعف کنند و چنانچه این امکانات وجود نداشته باشد با همان انگیزه (سود شخصی و ایمان به تأمین نیازهای اجتماعی به عنوان یک وظیفه دینی و اجتماعی) اقدام به ایجاد شرایط برای تولید کالاهای نهایی می‌کنند، خصوصاً اینکه بهره در جامعه اسلامی صفر است (حرمت ربا). علاوه بر این سود در بخش تجارت محدود به کار مولدی است که به منظور تسهیل رابطه مصرف‌کننده لازم است، و سودهای حاصله از واسطه‌گری و احتکار و غیره ممنوع شده است و دولت موظف به ممانعت در تحصیل چنین سودهایی است، لذا درآمد خالص حاصل از تولید اولیه (در یک شرایط تورمی و حتی در شرایط با نرخ تورم عادی) یعنی درآمد پس از کسر مصارف هزینه‌ها و مالیات ناچارند به بخش تولید باز خواهد گشت و چون باید تعدل بین تولید اولیه (به عنوان عرضه‌کننده) و تولید ثانوی (به عنوان تقاضاکننده) وجود داشته باشد الزاماً به طور خودکار پروسه تولید روند تکاملی خود را تا مرحله نهایی طی خواهد کرد.

ممکن است تصور شود که در شرایط رکودی این فعل و انفعالات انجام نخواهد شد. البته این روند کند خواهد شد، لیکن این بستگی به نرخ بازده سرمایه‌گذاری دارد و حداقل این نرخ را نرخ مالیات‌های ثابت و حد نصاب آنها تعیین می‌کنند. توضیح اینکه در شرایط رکودی چنانچه صاحب درآمد نخواهد آن را سرمایه‌گذاری مجدد نماید در هر سال باید بخشی از آن را به عنوان زکات پردازد تا اینکه پس‌انداز وی به کمتر از حد نصاب برسد بنابراین پس‌اندازکننده برای حفظ ثروت خود مجبور به سرمایه‌گذاری در بخش تولید می‌شود البته در بخشی که بازده آن از نرخ زکات بالاتر یا حداقل مساوی باشد و بدین ترتیب پس‌انداز بخش خصوصی در زمینه‌های سرمایه‌گذاری خواهد شد که در شرایط معمولی سرمایه‌گذاری در آنها بر عهده بخش عمومی قرار می‌گرفت که نوعاً کم بازده می‌باشند.

حال چنانچه به دلایلی بعضی از این پس‌اندازها وارد پروسه سرمایه‌گذاری مجدد نشود که از آن جمله طولانی بودن دوران انتظار برای بازدهی سرمایه‌گذاری را می‌توان ذکر کرد این پس‌اندازها، از طریق سیستم بانکی بدون بهره در اختیار دولت قرار می‌گیرد دولت بخش از آن را همه ساله به عنوان مالیات زکات کسر می‌کند و به صورت پرداخت‌های مستقیم و یا غیرمستقیم در جهت تأمین نیازهای فقرا و بیکاران استفاده خواهد کرد و پس‌اندازهای انباشته شده جهت سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی به کار می‌برد که بتواند دوران رکود را کوتاه کند و اقتصاد را وارد دوران رونق نماید. تحلیل آن از دید تقاضا به این صورت است که پرداخت‌های انتقالی (زکات) به فقرا و نیز اشتغال ایجاد شده از طریق سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی بخش عمومی با توجه به بالا بودن میل نهایی به مصرف طبقات فقیر و کارگران موجب افزایش تقاضا در جامعه می‌شود، که این خود ایجاد انگیزه در تولیدکننده بخش خصوصی می‌کند و به این ترتیب اقتصاد از رکود وارد رونق می‌گردد.

در هر صورت هدف از تحلیل‌های فوق دست یافتن به این نتیجه بود که حتی در دوران رکود روند تولید کالایی سیر تکاملی خود را می‌پیماید و بدین ترتیب شرایط توسعه را هر چند با روندی ملایم‌تر فراهم می‌کند. لکن ملاحظه شد که در شرایط رکود نقش دولت در تکامل پروسه تولید برجسته‌تر از بخش خصوصی است.

##### ۵- حفظ محیط زیست:



با توجه به این اصل که مالکیت منابع طبیعی در اختیار دولت است و اوست که میزان و شیوه بهره‌برداری از منابع را تعیین می‌کند و با عنایت به اصل حرمت اسراف که شامل جلوگیری از ضایعات و تخریب بی‌رویه منابع طبیعی و ممانعت از آلوده کردن محیط زیست از طریق تولیدات غیر استاندارد و غیره می‌شود و بر اساس اصل لاضرر و لاضرار فی الاسلام که تولیدکننده حق ندارد با توجه تولید و سودآوری، به محیط زیست صدمه بزند، به علت اینکه از بین رفتن سلامت محیط زیست موجب زیان جامعه است.

بنابراین دولت موظف است با توجه به اصول فوق بخش تولید را از زاویه‌ی تولیدکننده با سلامت محیط زیست کنترل دقیق کند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده، در ادبیات اقتصادی سه دیدگاه در ارتباط با رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد وجود دارد. تقابل این سه دیدگاه با یکدیگر سبب شده است که علم اقتصاد نتواند پاسخ صریحی در ارتباط با آن بیان دارد. مطالعات تجربی نیز هر یک با توجه نوع روش بکار رفته شده و قلمرو مطالعه به نتایج متفاوتی در این باره دست یافته‌اند.

در نگرش اسلامی، عدالت توزیعی به عنوان هدفی والا برای فعالیت‌های انسان معرفی شده و آنرا عاملی در جهت رشد و توسعه جوامع بشری معرفی نموده است، به همین دلیل این دیدگاه هدف قراردادن رشد اقتصادی را به هر قیمت محکوم کرده و آن را به بیراهه رفتن می‌داند. با توجه به این نوع نگرش، اسلام راهکارهایی را معرفی می‌کند که در آن ضمن هدف قرار دادن توزیع عادلانه درآمد، رشد اقتصادی نیز به عنوان معلول آن حاصل خواهد شد. اسلام نه تنها به توزیع مجدد درآمد‌های جاری اهتمام جدی دارد، بلکه مقدم بر آن به توزیع منابع اولیه تولید که سرچشمه بسیاری از انحصارات می‌تواند باشد توجه مقدمی دارد. لذا سیاست‌های خود را از دو طریق توزیع مجدد درآمد و توزیع منابع اولیه تولید در جامعه اعمال می‌کند.

برخی از این راهکارها عبارتند از ترویج فرهنگ زهد، پرداخت زکات و گسترش روابط حقوقی کار، به منظور توزیع مجدد درآمد و قاعده انفال به منظور توزیع منابع اولیه جامعه. زکات از طریق عواملی چون، افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، کاهش نرخ بازده انتظاری

پس انداز و افزایش تمایل به کار ضمن افزایش تعدیل توزیع درآمد در جامعه سبب افزایش منابع سرمایه گذاری، و به تبع آن منجر به رشد اقتصادی خواهد شد.

همچنین ترویج فرهنگ زهد با توجه به تأثیر آن در افزایش بهینه شدن مصرف جامعه، جلوگیری از اسراف و کاهش میل به واردات موجب افزایش تقاضای موثر برای کالاهای داخلی و سلامت روانی جامعه و کاهش فقر و نابرابری درآمدی خواهد شد.

گسترش روابط کاری نیز از طریق افزایش انگیزش نیروی کار سبب افزایش کارایی آنها شده که امر نیز افزایش عرضه تولیدات جامعه و رفاه بیشتر نیروی کار را به دنبال خواهد داشت.

از سوی دیگر با توجه به اهمیت توزیع منابع اولیه تولید در توزیع درآمد جامعه، اسلام نیز تأکید فراوان بر این موضوع نموده است و با طرح قاعده انفال سعی در نظام مند ساختن مالکیت این منابع در جهت توزیع عادلانه تر درآمدها در جامعه داشته است.

اسلام تلاش نموده است تا توسط دو نهاد احیاء و حیا، به گونه‌ای به توزیع مالکیت منابع اولیه در جامعه پردازد تا ضمن حفظ روحیه تولید در جامعه مانع استفاده بیش از حد و نابودی آنها شود.

این نحوه نگرش به مالکیت منابع اولیه ضمن تعدیل هرچه بیشتر توزیع درآمد در جامعه، توسط فرآیندهایی چون، اشتغال‌زایی، بهره‌برداری بهینه از منابع اولیه تولید، تشویق سرمایه گذاری در بخش تولید و به ویژه منابع اولیه و واسطه‌ای، اثر تکاملی پروسه تولید، و محیط زیست، تسریع رشد اقتصادی در جامعه را نیز خواهد شد.

### منابع:

- ۱- ابراهیمی، تقی (۱۳۷۴). «امکان‌سنجی استراتژی توسعه از طریق توزیع درآمد و ثروت در اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲- ابونوری، اسمعیل و عباسی قادری، رضا (۱۳۸۶). «برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال نهم، شماره ۳۰.
- ۳- احمد، خورشید. «مطالعاتی در اقتصاد اسلامی»، ترجمه محمدجواد مهدوی (۱۳۷۴)، انتشارات آستان قدس رضوی.

- ۴- آمدی، عبدالواحد، «غرر الحکم در الکلم»، مکتب الاعلام الاسلامی،
- ۵- تودارو، مایکل (۱۳۶۴). «توسعه اقتصادی در جهان سوم»، ترجمه غلامعلی فرجادی.
- ۶- جهانگرد، اسفندیار و محجوب، حمید (۱۳۷۹). «بررسی تأثیر توزیع مجدد درآمد بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران»، فصلنامه پژوهشها و سیاست‌های اقتصادی.
- ۷- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). «وسائل الشیعه»، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- ۸- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۴). «الحیاه»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، جلد‌های ۳، ۴ و ۶.
- ۹- حکیمی، محمد (۱۳۷۰). «معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی (ع)»، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی
- ۱۰- حکیمی، محمد و ابراهیمی، تقی و دیگران، (۱۳۸۰). «پدیده شناسی فقر و توسعه»، ج ۴. دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان.
- ۱۱- صدر، محمدباقر (۱۳۷۵). اقتصادنا، چاپ اول، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۲- صمدی، سعید (۱۳۷۸). «کاهش فقر، کارآیی و برابری در ایران»، پایان‌نامه دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- ۱۳- فراهانی فرد، سعید و صادقی، حسین (۱۳۸۵). «ساختار مالکیت و تأثیر آن بر بهره‌برداری از منابع طبیعی (بررسی تطبیقی)»، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال ششم، شماره ۴.
- ۱۴- کمیجانی، اکبر و عسگری، محمدمهدی (۱۳۸۳). «تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۴.
- ۱۵- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ه.ق) «بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، دار الحیاء التراث العربی - بیروت.
- ۱۶- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). «مجموعه گفتار»، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، صص ۱۹۱-۱۹۳.
- ۱۷- موسویان، سید عباس (۱۳۸۰). «عدالت، محور آموزه‌های اقتصادی اسلام»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۴.
- ۱۸- مهدوی عادل، محمدحسین و رنجبرکی، علی (۱۳۸۴). «بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱۸.

- ۱۹- نوری الطبرسی، میرزا حسین، «المستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، مکتب الاسلامیه طهران.
- ۲۰- نیلی، مسعود و فرح‌بخش، علی (۱۳۷۷). «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد»، مجله برنامه و بودجه، بهمن و اسفند ۷۷، شماره ۳۵ و ۳۴.
- ۲۱- یوسفی، محمدرضا (۱۳۷۸). «بررسی فقهی مبادله رشد اقتصادی و عدالت»، مجموعه مقالات اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس
- 22- Champernowne, D. G (1974 ). “A Comparison of Measures of Inequality of Income Distribution”, *The Economic Journal*. Vol. 84.
- 23- Barrera –Flores, Jose G (1982) “Economic Aspects of Regional Welfare”. Leaden: Martinus Nijhoff , Social Sciences Division.
- 24- Danielson A. (2001), “When Do the Poor Benefit From Growth, and Why?”, Department of Economics, Lund University, Sweden
- 25- Doessel, D.P. & Valladkhani, Abbas (1998). “Economic Development and Institutional Factors Affecting Income Distribution: The Case of Iran, 1967-1993”, *International Journal of Social Economics*, Vol.25.
- 26- Garcia F. and A.C. Banderia, (2004). “Economic reforms, inequality and growth in Latin America and the Caribbean”, University of So Paulo, school of economics and business.
- 27- Johansen, F (1993). “Poverty Reduction in East Asia”, World Bank Discussion Paper.
- 28- Kahf, M. (1973), “A Contribution to the Study of the Economic of Islam”, Utoh, USA Univ of Utoh, S.L.C.
- 29- Kakwani Nanak, Shahidur Khandker and Hyun H. Son (2003). “With Application to Korea and Thailand”.
- 30- Kuznets, (1955). “Economics Growth and Income Equality”.
- 31- Rami.R.(1988) “ Economic Development and Income Inequality: Furher Evidnce on the U-Curve Hypothesis
- 32- Panizza, Ugo, (2002). “Income inequality and economic growth: evidence from American data”, *journal of Economic Growth*, 7, P.25-41.
- 33- Weriemmi M.E. and Ch. Ehrhart, (2004). “Inequality and growth in a context of commercial openness, Theoretical analysis and empirical study: The case of the countries around the Mediterranean basin”, University of nice-Sophia antipolice.